

انسان به مثابه دال مرکزی در گفتمان اعتدال: مطالعه الگوی حکومتی علی^(ع)

مجتبی مقصودی *

سیمین حاجی‌پور ساردویی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۰۶/۰۵

چکیده

در این مقاله، تلاش شده تا با تکیه بر نگرش پساساختارگرایانه و با روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف و ون دایک به تبیین نظری و مفصل‌بندی گفتمان اعتدال پرداخته شود. بدین منظور، ابتدا به تشریح مبانی نظری و روشی گفتمان و تحلیل گفتمان پرداخته و نشان داده شده که چگونه بر اساس این نگاه یک ایده و آموزه می‌تواند جامعه گفتمان را بر تن کند. سپس با بررسی مختصر گفتمان‌های مختلف از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به بررسی گفتمان اعتدال پرداخته‌ایم. به منظور تبیین مفصل‌بندی گفتمان اعتدال، الگوی حکومت عدل مولا علی^(ع) را مشخص و معلوم کردیم و تمام دال‌های تهی و شناور را در طواف به گرد آن سامان بخشیدیم. یک منظومه معنایی متفاوت از منظومه‌های معنایی دیگر تشکیل دادیم. زنجیره هم‌ارزی و زنجیره تمایزها و تفاوت‌ها به معنی تعیین خودی‌ها و دگرهای مفهومی را تشریح کردیم. عناصر گفتمانی (مفاهیم خام) را ورز و صیقل داده و آنان را به صورت و هیبت «دقایق» (عناصر غنی شده با تدوین و مفصل‌بندی شده) درآوردیم. منطق و سازوکارهای تعریف شده جذب و حذف را به صورت معارف ایجابی و سلبی

* دانشیار گروه علوم سیاسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد
تهران مرکزی
maghsoodi42@yahoo.com
** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی
سیاسی دانشکده علوم سیاسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد
تهران مرکزی
s_binesh@yahoo.com

طرح‌ریزی کردیم. چیستی و کیستی آن را کاملاً تحدید و تعریف کردیم و برای آنکه گفتمان اعتدال پی‌رنگ گفتمان را به طور کامل برتابد جزئیات الهی خاص مبتنی بر حکمت و حکومت اعتدال علی^(ع) را بر آن افزودیم.

واژگان کلیدی: گفتمان، اعتدال، اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، حکومت عدل علی^(ع)

مقدمه

تحولات سیاسی و دگرگونی در نخبگان حاکم و اندیشه‌ها و نظریات آنها همواره شکل‌گیری گفتارها، واژگان و نظام‌های معنایی تازه‌ای را در هر دوره سبب شده است. بر پایه گفتمان مسلط در هر دوره، جهت‌گیری‌های عملی و سازوکارهای اجرایی و تبلیغی آن دوره نیز متأثر از آن بازسازی شده است.

در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰، چهار گفتمان ناسیونال - سکولار (ابرجفتمان رسمی دولت پهلوی که می‌توان از آن با عنوان پهلویسم نیز نام برد)، گفتمان سوسیالیسم و مارکسیسم (گفتمان هویتی چپ)، گفتمان لیبرال - ملی‌گرا و گفتمان اسلام‌گرایان وجود داشت که گفتمان ناسیونال - سکولار گفتمان مسلط در آن دوره بود.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، باعث تسلط گفتمان اسلام‌گرایی به عنوان ابرگفتمان در کشور گردید که مهم‌ترین ساختار بینادهنی قوام‌دهنده به آن، هنجارهای نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی بود. از آن زمان جامعه دوره‌های مختلفی را پشت سر گذاشت و در هر دوره، خرده گفتمانی که نشأت گرفته از ابرگفتمان اسلام‌گرایی بود به عنوان گفتمان هژمون بر منظومه سیاسی کشور تسلط یافت. این خرده گفتمان‌ها را می‌توان با کمی مسامحه در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ در پنج خرده گفتمان طبقه‌بندی کرد:

۱. خرده گفتمان ملی‌گرایی لیبرال^۱ (۱۳۶۰-۱۳۵۷)

۲. خرده گفتمان ارزش‌محور یا آرمان‌گرا^۲ (۱۳۶۸-۱۳۶۰)

۳. خرده گفتمان سازندگی منفعت‌محور اقتصادی و عملگر^۳ (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

۴. خرده گفتمان اصلاحات و فرهنگ‌گرای سیاست‌محور^۴ (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

۵. خرده گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور^۵ (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

تدبیر و امید؛ راهکار اعتدالیون در انتخابات یازدهم

در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ شیوه تازه‌ای از کنش سیاسی در ایران متولد شد که شاید بتواند منشاء تحولات بزرگی در تاریخ ایران اسلامی باشد. در این تاریخ حسن روحانی با خرده گفتمان اعتدال توانست اعتماد مردم ایران را پای صندوق‌های رأی

1. Liberal Nationalism Discourse
2. Value-Oriented or Idealism Discourse
3. Economic & Pragmatic Discourse of Constructivism
4. Cultural & Political-Oriented Reformism Discourse
5. Justice-Oriented Fundamentalism Discourse

جلب کند و عملاً در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۲ گفتمان اعتدال به طور رسمی زمام امور را در دست گرفت تا با عملکرد خود در عرصه‌های داخلی و خارجی هویت‌ساز باشد.

از آن زمان اندیشمندان علوم سیاسی بر سر گفتمان بودن یا نبودن اعتدال - مسئله این است - با یکدیگر اختلاف نظر دارند. برخی بر این باورند که اصولاً اعتدال گفتمان نیست بلکه روش است (کاشی، ۱۳۹۲) در حالی که عده‌ای دیگر معتقدند هیچ واقعیت غیرگفتمانی از این نظر قابل شناسایی نیست (رضایی، ۱۳۹۲). تاجیک (۱۳۹۲) مفاهیمی نظیر اعتدال و عدالت را همچون هر مفهوم دیگری، توأمان هم دال‌های تهی و شناور می‌داند و هم لبریز از معانی و غنای مفهومی که نمی‌توان منکر ربط وثیق و تنگاتنگ آنها شد. اما به بیان وی «در همان نقطه صفر تصویر و ترسیم هر رابطه‌ای میان این مفاهیم، با این پرسش اندیشه‌ساز/سوز مواجهیم که چه تعریفی از اعتدال و عدالت داریم.»

از این رو، آشکار است که صورت‌بندی گفتمانی اعتدال هنوز به صورت کامل شکل نگرفته و اگر این صورت‌بندی شکل نگیرد اعتدال به ابهام و تناقض می‌انجامد و این سرنوشت مبهم ناگزیر رقم خواهد خورد اگر پاسخ پرسش‌هایی از این دست روشن نشود: آیا اعتدالیون همان اصلاح‌طلبانی هستند که برای حضور در صحنه تغییر نام داده‌اند؟ یا اصول‌گرایانی هستند که از گذشته خود فاصله گرفته‌اند؟ یا کسانی هستند که نه می‌خواهند اصلاح طلب باشند و نه اصول‌گرا اما از مزایای تعلق به هر دو آنها می‌خواهند استفاده کنند؟ اعتدال یک گفتمان است یا یک روش؟ نسبت میان اصلاح‌طلبی و اعتدال و اصول‌گرایی و اعتدال چیست؟ نسبت میان اسلام‌گرایی و اعتدال چیست؟

در این مقاله تلاش می‌شود تا با تکیه بر نگرش پسا ساختارگرایی و روش تحلیل گفتمانی به بررسی مفهومی، مفصل‌بندی و صورت‌بندی اعتدال پرداخته شود تا از این منظر بتوان نسبت اعتدال را با اسلام‌گرایی، اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی تعیین کرد و مقدمات پذیرش اعتدال به مثابه یک راهبرد گفتمانی را فراهم کرد؛ راهبردی که چنگ زدن به آن در جوامع کثرت‌گرای زمان ما و با گسترش بی‌سابقه افراطی‌گری‌ها و خشونت‌های فردی و جمعی در بسیاری از کشورها بیش از پیش ضرورت می‌یابد و گفتمانی که در جهت برقراری عدالت، آزادی، رفاه، توسعه، قانون و پاسداشت حق حیات و کرامت انسان فضیلتی است که با تکامل عقلانیت در بشر رابطه تنگاتنگ دارد.

چیستی و هستی گفتمان

گفتمان^۱ از جمله مفاهیم مهم و کلیدی است که در شکل دادن به تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب زمین در نیمه دوم قرن بیستم، نقش بسزایی داشته است. اگرچه گفتمان را در نوشته‌های «ماکیاولی»، «هابز» و «روسو» می‌توان یافت؛ اما در چند دهه اخیر نیز در سایه متفکرانی چون «امیل بنونیسته»، «میشل فوکو»، «ژاک دریدا» و دیگر متفکران برجسته معاصر غربی، معنایی متفاوت به خود گرفته است. (سلیمی، ۱۳۸۳: ۵۰).

میشل فوکو در دهه ۱۹۶۰ نوعی نگرش به گفتمان در حوزه فلسفه سیاسی را مطرح کرد که بر اساس این نگرش، گفتمان مجموعه چند حکم است که در شرایط ویژه‌ای به وجود آمده، یک صورت‌بندی گفتمانی را شکل می‌دهد. او می‌گوید: «ما مجموعه‌ای از احکام را، تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمان می‌نامیم ... [گفتمان] متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای آنها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد» (Foucault, 1972, p. 117). از این رو، ویژگی منحصر به فرد تحلیل گفتمان از منظر فوکو آن است که ماهیت امور مورد بررسی از پیش تعیین نمی‌شود؛ بلکه توأم با همان صورت‌بندی‌های گفتمانی پا به عرصه حیات می‌گذارد که امکان گفت‌وگو درباره آنها را فراهم آورده‌اند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶). فیلیپس و یورگنسن نیز در یک تعریف گفتمان را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن - یکی از وجوه آن - معرفی می‌کنند (Jorgensen & Phillips, 2002: 18). دغدغه اصلی در نظریه گفتمان آن است که مردم در جوامع چه درک و شناختی درباره خود دارند. به عبارت دیگر، تعریف مردم در جوامع گوناگون از خودشان چیست؟ و به تبع این تعریف و شناخت، الگوی رفتاری آنها کدام است؟ (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۷)

از دیدگاه لاکلا و موف گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد انجام می‌شود. زبان، هم در ایجاد واقعیت و هم در بازنمایی آن نقش اساسی دارد. تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود. از این روی، نزاع گفتمانی به ایجاد، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

با این همه، به نظر می‌رسد ارتباط گفتمان با واقعیت، ارتباطی دیالکتیکی باشد؛

چرا که الزامات و اقتضائات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند نوع خاصی از گفتمان را مطالبه و حاکم کنند. بنابراین، گفتمان‌ها بنابر مطالبات و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه و نیز کاستی‌هایی که گفتمان حاکم به آن دچار شده‌اند، نظام معنایی خود را بازساخته و آن را به‌عنوان نظامی کارآمد و توانمند در برون‌رفت از مشکلات جامعه ارائه می‌دهند.

بنابراین در مورد ماهیت «گفتمان» اجماع نظر وجود ندارد و ناگزیر باید به تعریفی از گفتمان پرداخت که در رویکرد خاصی مطرح است و در اینجا گفتمان را با رویکرد لاکلا و موف تعریف می‌کنیم. تعریف گفتمان از نظر لاکلا و موف عبارت از «آن کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی» است (Laclau & Mouffe, 1985: 105). به عبارت دیگر می‌توان گفتمان را چنین تعریف کرد: «گفتمان امکان مفصل‌بندی و چینش ذهنی حول یک نشانه و دال و تشکیل نظام معنایی و تثبیت و هژمونیک کردن آن با ایجاد یک اجماع و اقناع عرفی موقت است».

ماهیت تحلیل گفتمان

اما در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ روشی میان‌رشته‌ای به نام روش تحلیل گفتمان^۱ و برخوردار از شالوده زبان‌شناسی شکل گرفت. شاید نخستین و مهم‌ترین فرد مؤثر بر طرح نظریه گفتمان، دو سوسور باشد. سوسور زبان را به دلیل داشتن ساختی ثابت و لایتغیر که تسلیم سلاقی و اشتباهات افراد نمی‌شود، از گفتار جدا می‌کند و زبان را مجموعه‌ای از نشانه‌ها که دارای قواعد ضروری‌اند، امری اجتماعی و گفتار را که تابع سلیقه‌ها و ذوق افراد است، امری فردی می‌داند. (سوسور، ۱۳۸۹: ۲۱) در عین حال، سوسور رابطه دال و مدلول را که پیونددهنده نشانه‌ها هستند، پیوندی کاملاً اختیاری می‌داند (سوسور، ۱۳۸۰: ۲۷).

زلیگ هریس (Harris, 1952: 30-1)، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، بررسی ساختار «جمله» فارغ از بافت و شرایط زمانی - مکانی و بیرونی متن را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان ساخت‌گرا^۲ نامید. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، عده‌ای از زبان‌شناسان، مفهوم بافت را وارد تحلیل گفتمان کردند و گفتمان را به مثابه «زبان به هنگام کاربرد» در نظر گرفتند. این نوع از تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان نقش‌گرا^۳ (Halliday, 1971: 332-4) نامیده شد. منظور از بافت

1. Discourse Analysis
2. Construct Approach to Discourse Analysis
3. Functional Approach to Discourse Analysis

در تحلیل گفتمان نقش‌گرا شرایط زمانی و مکانی محدودی است که زبان در آن به کار می‌رود. زبان‌شناسی انتقادی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و به تحلیل گفتمان انتقادی^۱ معروف شد. ون دایک، وداک و فرکلاف (Fairclough, 1995: 6) از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه زبان‌شناسی هستند. سپس، فاولر، هاج، کرس و ترو (۱۹۹۱) در قالب زبان‌شناسی انتقادی، «قدرت» و «ایدئولوژی» را نیز به مثابه شرایط فرامتنی مؤثر بر تحلیل گفتمان وارد جریان غالب تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی کردند (Fowler et al., 1991: 69).

نظریه گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موف که در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی» (۱۹۸۵) شکل گرفت، در واقع بسط نظریه گفتمان فوکو (Foucault, 2002) در حوزه فلسفه سیاسی - اجتماعی بود. اما توجه به این نکته ضروری است که اگرچه نقطه آغاز کار لاکلا و موف مفهوم گفتمان فوکو بود، ولی آنها با به کارگیری نظریات متفکرانی چون سوسور، دریدا، بارت (Barrett, 1991: 54)، لاکان، گرامشی و آلتوسر، نظریه بسیار کارآمدی را شکل دادند که انسجام و قابلیت تبیین فوق‌العاده‌ای دارد. بنابراین، نظریه گفتمان لاکلا و موف، ریشه در دو سنت نظری ساختارگرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی ساختارگرای سوسور دارد (کسرابی، ۱۳۸۸: ۳۴۱) و این دو سنت در قالب یک نظریه پسا ساختارگرا با یکدیگر تلفیق شدند.

پسا ساختارگرایی منکر دیدگاه ساختارگرایی به زبان به منزله ساختاری ثابت، تغییرناپذیر و فراگیر است. (Laclau, 1993) چنین برداشتی این امکان را به پسا ساختارگرایان داد تا یکی از مشکلات سنتی ساختارگرایی، یعنی تغییر را حل کنند (هوارث، ۱۳۷۷). اما مهم‌ترین کارکرد نظریه گفتمان لاکلا را باید در حوزه سیاست به‌ویژه در مفهوم‌پردازی قدرت دید (مک دانل، ۱۳۸۰: ۳۳). قدرت از نظر لاکلا و موف عبارت است از «قدرت تعریف کردن، و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌کند» (نش، ۱۳۹۰: ۴۹).

هدف روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف این است که چگونگی پیدایش، بسط و تحول اندیشه‌ها را به عنوان یک گفتمان که سازنده معانی و کنش‌های سیاسی است، تبیین و تحلیل نماید، چرا که بر اساس این نظریه، معانی واژه‌ها، اشیاء و فعالیت‌ها در صورتی قابل فهم‌اند که در حوزه گفتمانی خاصی قرار گیرد. یک گفتمان از طریق «برجسته‌سازی»، «مرکزیت بخشیدن»، «حذف و طرد» و «جداسازی» می‌تواند

موجب مرکزیت‌یابی و استقرار یک الگوی هویتی خاص شود. هرگاه بتوانیم سیستم پیچیده و پراکنده بین شمار متنوعی از اظهارات، قضایا و گزاره‌ها را تعریف کرده و حدود و ثغور آن را تعیین نماییم، به شکلی که بتوانیم بین آنها نوعی قاعده‌مندی و نظم، همبستگی و ارتباط‌های متقابل برقرار کنیم، می‌توانیم بگوییم با صورت‌بندی گفتمانی سروکار داریم. با گردآوری اجزاء مختلف و ترکیب آنها می‌توان به ترسیم افق‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی مبادرت ورزید. این همان چیزی است که از آن به «مفصل‌بندی گفتمانی»^۱ تعبیر می‌شود. هر گفتمان با مرکزیت بخشیدن به یک دسته از عناصر و مؤلفه‌ها و به حاشیه راندن برخی عناصر و مؤلفه‌های دیگر، به مفصل‌بندی هویت‌های کانونی و حاشیه‌ای (به عنوان دو الگوی در تقابل با یکدیگر) می‌پردازد که حاصل این فرآیند تأسیس مرزهای هویت اصلیت (غالب) و خلق یک «غیریت» در برابر آن است. نتیجه می‌گیریم که گفتمان‌ها هویت خود را به واسطه نوع ارتباطی که با سایر گفتمان‌ها دارند بازتعریف می‌کنند. گفتمان وقتی توانست به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت نماید، به یک گفتمان هژمونیک تبدیل می‌گردد. زمانی که یک گفتمان نشاط خویش را از دست دهد و دچار تصلب^۲ و عدم انطباق با زیست‌بوم اجتماعی خود گردد، زوال و افول آن شروع می‌شود. (Sayyid & Zac, 1998: 261-2) پیامد هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای برجسته شدن نظام معنایی خود و به حاشیه راندن نظام‌های معنایی سایر رقبا است.

مفصل‌بندی خرده گفتمان اعتدال - واقع‌گرای اسلامی

«گفتمان اعتدال» با همه مناقشات کلامی و قلمی گفتمانی بود که با پیروزی حسن روحانی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری در ایران مسلط شد. این گفتمان جدید و مستقل است و شکل ترکیبی ندارد. هر چند گفتمان اعتدال از نشانه‌های گفتمان‌های دیگر تغذیه کرده، اما در گسست با دیگر گفتمان‌های موجود شکل گرفته است. معمار خرده گفتمان اعتدال (همایش ملی تبیین مفهوم اعتدال، ۵-۶ شهریور ۱۳۹۲) می‌نویسد:

اما واژگان چون گفته آیند، گاهی از گوینده جدا و به حیات مستقل خویش درآیند. اکنون این واژه، مُلکی است که هر جوینده، در آن

1. Discourse Articulation
2. Closure

برای خود ملکی می‌جوید؛ و ظرفی است که هر گوینده برای آن مظروفی تدارک می‌کند. اما نیک می‌دانم که تدبیر، بر هر معنایی از اعتدال مترتب نمی‌شود؛ و امید، با هر خوانشی از اعتدال در قلب‌های مردمان سرزمینم جاری نمی‌گردد.

این سخنان به معنای آن است که ممکن است هر یک از جریان‌های سیاسی با در نظر گرفتن اعتدال به عنوان روش آن را به صورت پسوندی برای جریان سیاسی خود صورت‌بندی کرده، عناوین مختلفی چون: اصول‌گرای اعتدال‌خواه، اصلاح‌طلب اعتدال‌خواه، ... و عدالت‌خواه اعتدال‌گرا - که در دور بعد می‌تواند پیروز میدان شود - خلق کند. این وام گرفتن، اما، به باور روحانی با تدبیر و امید همراه نخواهد بود. بنابراین تلاش برای متوقف کردن اعتدال در حد یک روش به باور او تلاشی مذبحانه است.

بهرحال، اندیشمندان علوم سیاسی بر سر گفتمان بودن یا نبودن گفتمان اعتدال با یکدیگر اختلاف نظر دارند و بر این نکته تأکید دارند که اعتدالیون باید نسبت خود را با پرسش‌هایی از این دست روشن کنند: آیا اعتدالیون همان اصلاح‌طلبانی هستند که برای حضور در صحنه تغییر نام داده‌اند؟ یا اصول‌گرایانی هستند که از گذشته خود فاصله گرفته‌اند؟ یا کسانی هستند که نه می‌خواهند اصلاح‌طلب باشند و نه اصول‌گرا اما از مزایای تعلق به هر دو آنها می‌خواهند استفاده کنند؟ اعتدال یک گفتمان است یا یک روش؟ نسبت میان اصلاح‌طلبی و اعتدال چیست؟ آیا اصلاح‌طلبی چتری گسترده است که اعتدال در ذیل آن تعریف می‌شود یا که این دو، دو مفهوم مجزا از هم هستند.

در این بخش تلاش می‌کنیم با الگوسازی از حکومت حضرت علی (ع) که نمونه و اسوه حکومت اعتدال به شمار می‌رود و عدل علی که بر عام و خاص قابل چشم‌پوشی نیست به تبیین مفصل‌بندی حکومت اعتدال بپردازیم. شاید چشم‌اندازی باشد بر آنچه که از اعتدال انتظار می‌رود.

گام اول - تبیین معنا و مفهوم اعتدال

اعتدال یکی از ابعاد مهم و تاحدودی فراموش شده تعالیم اسلامی است که پیامدهای گسترده‌ای در تمامی ابعاد تمدن اسلامی دارد (Al Yahya, 2011). «اعتدال» یک فضیلت اخلاقی است که نه تنها به رفتار شخصی شخص بلکه به شخصیت، اصالت و خودانگاره جوامع و ملت‌ها بستگی دارد. بُعدی از هویت فردی و دیدگاه

جهانی درباره افقی است که در تمامی ادیان و تمدن‌ها با ارزش و فضیلت محسوب می‌شود. اعتدال فضیلتی است که به توسعه هماهنگی اجتماعی و تعادل در روابط انسانی کمک می‌کند. اما، علی‌رغم تمام مزیت‌های آشکار، این فضیلت تاکنون از سوی انسان نادیده گرفته شده است (Kamali, 2008: 1).

لذا در اولین گام باید معنای کلمه اعتدال را روشن کنیم. اعتدال در لغت‌نامه دهخدا اینگونه معنا شده است: میانه حال شدن در کمیت و کیفیت، میانه حال شدن در گرمی و سردی و خشکی و تری یا در طول و عرض و به عنوان شاهد نمونه‌هایی از عنصری و ناصر خسرو بیان می‌کند:

کار ناید از طبایع چون نماند اعتدال (عنصری).

آنچه ایزد کرد خواهد با تو آنجا روز عدل

با جهان گردون بوقت اعتدال اینجا کند (ناصر خسرو)

راست گردیدن، راست شدن و راستی قامت:

ماه فروماند از جمال محمد

سرو نروید به اعتدال محمد (سعدی)

برابر بودن، تناسب یافتن، متساوی بودن:

ما را دگر بسرو بلند التفات نیست

از دوستی قامت بااعتدال دوست (سعدی)

آرامی، بردباری، ملایمت || تساوی، راستی، عدالت، برابری، همواری، تعادل، تعدیل، یکسانی، میانه‌روی در هر چیز و عدم افراط و تفریط.

بی‌اعتدال: عدم میانه‌روی، عدم سلامت || کج، نامتساوی، ناراست.

بنابراین، معنای لغوی اعتدال، رعایت حد وسط و میانه در بین دو حال از جهت کمیت و مقدار و از جهت کیفیت و چگونگی است. همچنین اعتدال به معنای توازن و تعادل در مقدار، هم‌وزنی، برابر بودن دلایل و برابری و یکسانی در کم و کیف نیز می‌باشد. از این‌رو، اعتدال به معنای میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط یا تندروی و کندروی است.

به طور کلی اعتدال به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. در معنای سلبی، اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد می‌باشد. اعتدال در صورت ایجابی به معنای رعایت حد وسط و تعادل و توازن است.

اعتدال ترجمه واژه Moderation است و با تأکید بر حفظ حدود عقلانی، در مقابل افراط‌گرایی^۱، تمامیت‌خواهی^۲، اقتدار‌گرایی^۳، رادیکالیسم^۴ و خشونت‌گرایی^۵ قرار می‌گیرد. در واقع، به مجموعه خط‌مشی‌های مبتنی بر میانه‌روی، تنش‌زدایی، تعامل سازنده و دوری از افراط و تفریط در عرصه نظر و عمل گفته می‌شود.

در ادبیات اسلامی، اعتدال از دو ریشه مرتبط با هم اتخاذ شده است: (۱) عدل و (۲) عدل. عدل به معنای توازن و کردار متوازن است. زیستن در میانه و فارغ از افراط و تفریط، و این سخن معروف که بار کج به منزل نمی‌رسد. اعتدال به این معنی، شواهد زیادی در نصوص اسلامی و نظریه‌های متفکران دارد. از ویژگی‌های اعتدال به معنای نخست می‌توان بر تصمیم و کردار مبتنی بر اندیشه و دانش اشاره کرد. برخی متون اسلامی چهار ویژگی زیر را از مختصات عمومی اعتدال و انسان معتدل شمرده‌اند:

۱. اندیشه در زوایای امور

۲. تکیه بر دانش و آگاهی

۳. داوری نیکو در کارها و مسایل

۴. استواری در صبوری و شکیبایی (روحانی، ۱۳۹۲: ۹، فیرحی، ۱۳۹۲: ۱۲)

اما، عدل، در ادبیات اسلامی به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود، و بنابراین تصمیم و عمل بر اساس معیارهای روشن است. طبق این تعریف، هر گفتار و کردار خالی از «معیار» را ظلم تلقی می‌کنند. مسلمانان برخلاف یونانیان، دو معیار متفاوت را از هم تفکیک کرده‌اند:

۱. عمل بر اساس شریعت در حوزه تکالیف قطعی شرع.

۲. عمل بر مدار قانون در حوزه حقوق، آزادی‌ها و امور نوعی یا عمومی جامعه.

(فیرحی، ۱۳۹۲: ۱۲)

از نظر تاجیک (۱۳۹۲) نیز اعتدال و عدالت در یک گستره مفهومی و معنایی قرار دارند و نوعی رابطه هم‌نشینی و جانشینی میان آنان وجود دارد.

1. Extremism
2. Totalitarianism
3. Authoritarianism
4. Radicalism
5. Violinism

از منظر امام علی^(ع) اعتدال، راه مستقیم و میانه است و در این باره می‌فرماید: «انحراف به راست و چپ، گمراهی است و راه مستقیم و میانه، جاده وسیع حق است». (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

بنابراین، فهم دقیق اعتدال، مستلزم تعریف آن به صورت ایجابی و مثبت است زیرا اعتدال مفهومی مثبت و سازنده است؛ میانه‌روی که در پی برساختن دنیایی جدید با بهره‌گیری از تمام امکانات، تمام نعمات، تمام آفریده‌ها به اعتدال و بر اساس عدالت، انصاف، قانون و آزادی است. در «زبان مشترک مردم زمان ما» اعتدال به معنای رعایت توازن و حد میانه در عقاید، اخلاقیات، شخصیت، در شیوه رفتار با دیگران و در سیستم کاربردی نظم و اداره نظام سیاسی - اجتماعی است (Mura, 2012).

از این رو، در تعیین مختصات گفتمان اعتدال نمی‌توان گفت اعتدال، اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی نیست، بلکه باید گفت اعتدال هم اصول‌گرایی و هم اصلاح‌طلبی است. در واقع، اعتدال دربرگیرنده اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی است و تلاش می‌کند از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل هر دو خرده گفتمان استفاده کند.

پیشینه اعتدال در اندیشه اسلام

اسلام دین اعتدال است و در فرهنگ قرآنی می‌توان این اصطلاح را در واژگانی همچون «امت وسط» تبارشناسی کرد (Khaled Abou El Fadl, 2003). قرآن کریم می‌فرماید: «وَكذالِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (سوره بقره، آیه ۱۴۳) بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه باشد. آیه ۱۴۳ سوره بقره، آیه محوری بحث اعتدال در قرآن است. ذکر این آیه محوری در مرکز و میانه بلندترین سوره قرآن (سوره بقره) با ۲۸۶ آیه رخدادی نیست که از سر تصادف و برحسب اتفاق به وقوع پیوسته باشد بلکه آیتی است برای انسان تا بیشتر بیندیشد.

از نظر اسلام تعادل و اعتدال، یکی از دوست داشتنی‌ترین و بهترین امور محسوب می‌شود. رسول اکرم^(ص) می‌فرماید: «خيار الامور اوسطها و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق» (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۵۵) بهترین کارها، معتدل‌ترین آنها است و باید دوست داشتنی‌ترین امور در نزد تو، معتدل‌ترین آنها در کارهای حق باشد. اینجا است که به روشنی هر چه تمام‌تر درمی‌یابیم که مسئله اعتدال نه تنها صرفاً یک توصیه ساده اخلاقی یا دستور عادی دینی آن هم در برخی موارد

نیست و از این سطوح بالاتر است، بلکه متوجه می‌شویم که میانه‌روی و اعتدال، یکی از خطوط برجسته جهان‌بینی توحیدی است که بر همه شئون و ساحت‌های حیات، سایه افکنده است و نه تنها تشریحاً، بلکه تکویناً نیز آفریدگار توانا و حکیم به مقتضای حکمت بالغه خویش، نظام هستی را بر پایه اعتدال و تعادل آفریده و بر اساس تناسب و توازن، استوار ساخته است. برای نمونه در سوره رحمان آیه ۷ می‌فرماید: «والسمااء رفعها و وضع المیزان» یا در سوره قمر آیه ۴۹ می‌فرماید: «انا کل شیء خلقناه بقدر».

حضرت علی^(ع) علاوه بر اینکه یکی از صفات مؤمن را اعتدال در زندگی می‌داند و می‌فرماید: «المؤمن سیرته القصد»؛ (نهج‌البلاغه، حکمت ۶۷). شیوه مؤمن، میانه‌روی است، برای اولین بار حکومت اعتدال را در تاریخ زندگی بشر بنیان گذارد تا الگو و سرمشق انسان قرار گیرد.

شیعه با رهیابی نظریه امر بین‌الامرین که نخستین بار در اندیشه امیرالمؤمنین مطرح شد و امام جعفر صادق و امام رضا^(ع) به تبیین آن پرداختند بر این اعتقاد است که: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین‌الامرین» نه جبر است و نه تفویض، بلکه بین این دو است؛ بنابراین، «امر بین‌الامرین» نیز نشانه‌ای دال بر رعایت اعتدال است. اعتدال را در آرای حکما و دانشمندان اسلامی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، ملا هادی سبزواری، بوعلی سینا، ملا محمد مهدی نراقی و دانشمندان دیگر نیز می‌توان یافت که اساس اخلاق فاضله انسانی را تعادل در امور دانسته‌اند.

الگوی حکومت عدل علی

تحلیل گفتمان سخنان مولا علی (ع) در نهج‌البلاغه بخصوص نامه آن حضرت به مالک اشتر در خصوص نحوه زمامداری ما را به مجموعه کاملی از خصوصیات حکومت اعتدال بر پایه عدل رهنمون می‌سازد.

کرامت و منزلت انسان‌ها نزد امیر مؤمنان (ع) و عشق و علاقه آن حضرت به مخلوقات، ترجمان و تجلیگاه مسئولیت الهی و عشق به خالق است. از چنین منظری در حکومت امام علی (ع) انسان از قدر و منزلت و جایگاه رفیعی برخوردار است و نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌نمایند.

این نگرش حضرت علی به انسان را می‌توان تجلی نگاه خداوند به انسان‌ها بر مبنای مشیت حکیمانه او دانست که امانت آزادی و اختیار را به انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات عطا فرمود (احزاب، آیه ۷۲).

جدول شماره ۱ - تحلیل موضوعی سخنان مولا علی

عنوان	خصوصیات
خصوصیات و معیارهای تخصصی حکومت‌دار	شجاعت، علم و دانش، قاطعیت، تجربه کاری، استقامت در برابر مشکلات، حسن تدبیر، قدرت و توانایی، سعه صدر، شایستگی و کفایت، نظم و انضباط، حسن سابقه، داشتن پشتکار و دوری از تنبلی، بلندی همت، تندذهنی و داشتن حافظه قوی، آینده‌نگری، پاکی و صلاحیت خانوادگی، داشتن قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل، تواضع علمی، آگاهی سیاسی و مبارزه با مفسد اجتماعی.
خصوصیات و معیارهای ارزشی در حکومت عدل	عدالت و انصاف، میانه‌روی در درشتی و نرمی، پیروی از الگوهای ارزشمند پیامبر اسلام و ائمه (ع)، تواضع و فروتنی، سخاوت، وفاداری، گشاده رویی، تسلط بر خشم، میانه روی در درشتی و نرمی، صبر و بردباری، امانتداری، خوش‌بینی نسبت به دیگران، رفق و مدارا، طرد سخن چین، طرد چاپلوس، توجه به کارکنان، عیب پوشی و پرهیز از عیب جویی، صدق و راستی، داشتن تقوای الهی و پرهیزکاری، پرهیز از شتاب در امور، روحیه صلح‌دوستی، پرهیز از گفتار دوپهلوی، پرهیز از منت‌گذاری، پرهیز از خلف وعده و عهد و پیمان، پرهیز از فاصله گرفتن از مردم و آزادی.
خصوصیات حکومت‌دار به عنوان تصمیم‌گیرنده	شناسایی وضع و شرایط موجود، ارائه راه‌حل‌های مختلف، ارزیابی راه‌حل‌ها و گزینش بهترین‌ها، اجرا و پیگیری: اجرا باید فوری باشد، باید مجریان خوبی انتخاب کند، نظارت همه‌جانبه داشته باشد تا بتواند پاداش دقیق و مناسب بدهد، جهت نظارت و ارزیابی کار مجریان، نمایندگان ویژه داشته باشد، فرد خاطی و خیانتکار را مجازات کند، اگر تصمیم غلطی گرفته بود باید از مردم عذرخواهی کند.

بر مبنای همین اشرف مخلوقات بودن خدا از انسان خواست که به آبادی و عمارت زمین همت گمارد (هود، آیه ۶۱)، در این فرآیند از آزادی اراده بهره جوید

و به انتخاب احسن و اصلح اقدام ورزد (زمر، آیه ۱۷-۱۸) و به او دستور می‌دهد که حق را بگوید و عقیده‌ای را بر کسی تحمیل نکند (کهف، آیه ۲۹) که این همان ترجمان اراده، اختیار و آزادی انسان است.

تحلیل واژگانی - موضوعی نهج البلاغه در سه بخش خطابه‌ها، نامه‌ها و جملات قصار یا حکمت‌ها تصویر واضحی از مفصل‌بندی حکومت عدل علی (ع) را در اختیار ما می‌گذارد:

جدول شماره ۲ - تحلیل واژگانی - موضوعی خطابه‌ها، نامه‌ها و جملات قصار امیرالمؤمنین بر اساس روش ون دایک

الگوی گفتمانی	بسامد	درصد	الگوی گفتمانی	بسامد	درصد
شجاعت	۶	۰/۷	عدالت	۶۹	۸/۳
علم و دانش	۱۲۵	۱۵	انصاف	۱۳	۱/۶
قاطعیت	۶	۰/۷	میان‌روی و اعتدال	۲۴	۲/۹
تجربه کاری	۱۲	۱/۴	خوش‌بینی	۱۱	۱/۳
استقامت در برابر مشکلات	۱۵	۱/۸	رفق و مدارا	۱۸	۲/۲
قدرت و توانایی	۶۹	۸/۳	تقوای الهی و پرهیزکاری	۳۳	۳/۹
سخاوت	۹	۱/۱	صلح‌دوستی	۹	۱/۱
گشاده رویی	۴	۰/۵	عقل‌گرایی و خردورزی	۵۸	۶/۹
صبر و بردباری	۸۸	۱۰/۵	انسان	۱۲۹	۱۵/۵
نظم و انضباط	۷	۰/۸	واقعیت	۲۵	۳
حسن سابقه	۹	۱/۱	مساوات و برابری	۱۳	۱/۶
امانتداری	۲۷	۳/۲	قانون‌مداری	۴	۰/۵
بلندی همت	۱۴	۱/۷	آزادی	۳۱	۳/۷
تندذهنی و داشتن حافظه قوی	۶	۰/۷	جمع کل	۸۳۴	۱۰۰

شجاعت: امیرالمؤمنین در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «به اهل شجاعت ببیوند و آنان را به عنوان کارگزار انتخاب نما».

علم و دانش: حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم همانا سزاوارترین مردم به این امر (خلافت و زمامداری) کسی است که تواناترین آنها بر اجرای امور و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسایل باشد».

قاطعیت: علی (ع) از شک و تردید بی‌مورد نهی کرده و می‌فرماید: «علم خود را به جهل و یقین خود را به شک تبدیل نکنید، وقتی دانستید عمل کنید و زمانی که یقین کردید، اقدام نمایید».

تجربه کاری: علی (ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «افراد باتجربه را به عنوان کارگزار انتخاب نما».

استقامت در برابر مشکلات: حضرت علی در این مورد به مالک اشتر فرمودند: «پس برای مشاغل کلیدی از سپاهیان و لشکریان خود کسی را انتخاب کن که در برابر دشواری‌ها و پیشامدهای سخت و تلخ، استوار باشد و مصیبت‌های بزرگ وی را از پا نشاناند».

قدرت و توانایی: در نامه ۶۱ به کارگزار خود کمیل بن زیاد نخعی، عدم قدرت و توانایی او را تذکر می‌دهد و او را مورد ملامت قرار می‌دهد.

سخاوت: حضرت علی (ع) سخاوت و گشاده‌دستی را از معیارهای انتخاب مدیران دانسته است که سخاوت در مال، کار، اخلاق، همکاری، اندیشه و ... را هم دربرمی‌گیرد.

گشاده‌رویی: در نامه ۲۶ به یکی از کارگزاران سیاسی خود می‌فرماید: «پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره نمودن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند».

صبر و بردباری: در خطبه ۱۹۰ خطاب به لشکریان خود چنین فرموده‌اند: «بر جای خود محکم بایستید و در برابر بلاها و مشکلات استقامت کنید». همچنین در حکمت ۱۵۳ چنین فرموده‌اند: «انسان صبور پیروزی را از دست نمی‌دهد هر چند زمان آن طولانی شود».

نظم و انضباط: علی (ع) در بخشی از عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «کار هر روز را همان روز انجام بده زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد».

حسن سابقه: در نامه ۵۳ به مالک اشتر فرموده‌اند: «بدترین وزیران تو کسانی هستند که وزیران والیان بدکار پیش از تو بوده‌اند و با آنان در گناهان همکاری کرده‌اند. مبدا صاحبان اسرار تو باشند زیرا که یاران گنهکاران و برادران ستمکارانند. تو می‌توانی به جای آنها بهتر از آنها را بیابی، کسانی که نظریات و نفوذ آنها را دارند ولی وزر و وبال آنها را ندارند و با ستمکاران و گنهکاران همکاری نکرده‌اند».

امانتداری: امیرالمؤمنین در نامه‌ای به برخی از کارگزاران خود نوشته: «کسی که

امانت را خوار شمارد و دست به خیانت آلاید و خویشتن و دینش را از آن منزه نسازد، درهای خواری و رسوایی را در دنیا به روی خود گشوده است و در آخرت خوارتر و رسواتر خواهد بود». (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۷۹)

بلندی همت: در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «با بلندهمتان بپیوند». **تندذهنی و داشتن حافظه قوی:** ایشان در نامه به مالک اشتر فرموده‌اند: «کسی را برگزین که در رساندن نامه کارگزارانت به تو یا رساندن پاسخ‌های تو به آنها کوتاهی نکند و در آنچه برای تو می‌ستاند یا از طرف تو به آنها تحویل می‌دهد فراموشکار نباشد».

عدالت و انصاف: در نامه ۵۳ به مالک اشتر، امام می‌نویسند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق، میانه‌ترین، در عدل، فراگیرترین، و در جلب رضایت مردم گسترده‌ترین باشد». در جای دیگری از فرمان تاریخی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «انصاف برقرار کن میان خدا و مردم و خویشتن و دودمان خاص خود و هر کس از رعیت که رغبتی به او داری و اگر چنین انصافی برقرار نکنی، مرتکب ظلم گشته‌ای».

میانه‌روی و اعتدال: در نامه ۱۹ به یکی از مدیران فرمود: «در رفتار با آنها (مردم)، نرمی و درشتی را در هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور نمودن رعایت کن».

خوش‌بینی نسبت به دیگران: در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: «هیچ عاملی بهتر و قوی‌تر از نیکی به رعیت و سبک ساختن هزینه‌های آنان و ترک تحمیل بر دوش آنان نیست. پس باید در این باب کار کنی که خوش‌بینی به رعیت را به دست آوری زیرا خوش‌بینی رنج بسیار را از تو دور می‌کند».

رفقی و مدارا: در نامه ۴۶ به یکی از کارگزاران می‌فرماید: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، اما آنجا که جز با شدت عمل کارها پیش نمی‌رود شدت عمل به خرج ده و پر و بال خود را برای مردم بگستر و با چهره گشاده با آنان روبه‌رو شو و نرم‌خویی با آنان را نصب‌العین خود قرار بده».

تقوای الهی و پرهیزکاری: حضرت سفارش می‌کنند: «پس به ریسمان تقوا چنگ در زنی، که پرهیزگاری را ریسمانی است با دستگیره‌های محکم و پناهگاهی است با بلندایی استوار و نفوذناپذیر».

صلح‌دوستی: علی (ع) به مالک می‌فرماید: «اگر دشمنت تو را به صلح فراخواند، از آن روی برمتاب که خشنودی خدای در آن نهفته است».

عقل‌گرایی و خردورزی: حضرت در نامه‌ای به ابوموسی اشعری که عامل ایشان در کوفه بود می‌فرمایند: «عقلت را به فرمان آور و رشته کار خود به دست گیر».

انسان: مولا علی (ع) بر انسان و حق او تأکید بسیار دارند: «انسان ضعیف و خوار در نزد من عزیز است تا حق او را برای او بگیرم، و انسان قوی در نزد من ضعیف است تا حق دیگران را از او بگیرم».

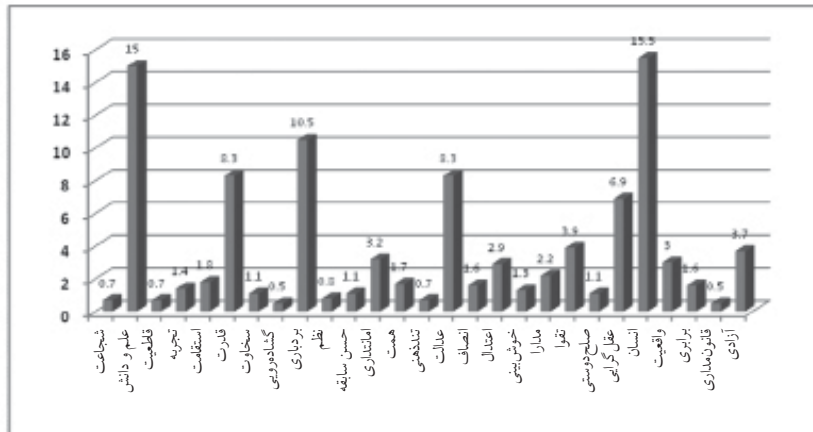
واقعیت: علی (ع) حقیقت و واقعیت را از اصول بنیادین می‌داند و سفارش می‌کند: «کسی که افترا به واقعیات زند، به استقبال نومی‌دی و سقوط می‌شتابد».

مساوات و برابری: حضرت سفارش می‌کنند: «بدان، که مسلمانانی که در نزد تو هستند، یا در نزد ما هستند، سهم‌شان از این غنیمت برابر است».

قانون‌مداری: مولا قانون‌مداری را موجب برقراری نظم دانسته می‌فرمایند: «موجودات را در مجرای قانونی اوقات خود به جریان انداخت، و حقایق گونه‌گون را در عالی‌ترین نظمی هماهنگ ساخت».

آزادی: در بیان علی (ع)، آزادی، بزرگ‌ترین نعمت خداوندی برای فطرت بشری بیان شده است: «بنده دیگری مباش، خداوندت آزاد آفریده است».

نمودار شماره ۱ - تحلیل واژگانی - موضوعی خطابه‌ها، نامه‌ها و جملات قصار امیرالمؤمنین



گام دوم - تعیین عناصر و دقایق گفتمان اعتدال

بر اساس تحلیل گفتمانی خطابه‌ها، نامه‌ها و جملات قصار مولا علی از حکومت عدل الهی عناصر و دقایق گفتمان اعتدال را به صورت ذیل می‌توان تعیین و تبیین کرد:

۱. عقل‌گرایی و خردورزی
۲. واقع‌بینی و واقع‌گرایی فعال
۳. تحول‌گرایی
۴. تعامل‌گرایی مؤثر و سازنده
۵. توسعه‌گرایی متوازن
- الف) توسعه اقتصادی و معیشت ملی
- ب) توسعه جهت تأمین منافع ملی
- ج) توسعه متوازن دیپلماسی در سیاست خارجی
- د) توسعه متوازن روابط و مناسبات خارجی با کشورها
۶. امنیت‌طلبی
۷. منزلت‌طلبی
۸. صلح‌طلبی مثبت
۹. عدالت‌گرایی
۱۰. کمال‌گرایی
۱۱. چندجانبه‌گرایی متوازن

گام سوم - تعیین چارچوب و مدل گفتمان اعتدال

رعایت اعتدال در بافت درون تمدنی جامعه اسلامی و در تعامل با سایر جوامع و ملل رخ می‌نماید. وضعیت مسلمانان به تعهد آنها به اعتدال و حقیقت بستگی دارد. جامعه مسلمانان یک جامعه بخشنده و عادل است که با هستی خویشتن خویش نمونه‌ای از بخشندگی و عدالت خداوندی را به نمایش می‌گذارد. چارچوب گفتمان اعتدال عبارت است از:

۱. اعتدال به مثابه تعهد به رعایت عدالت:

تعهد به اعتدال ضرورتاً تعهد به عدالت است. آزادی بهترین بستر را برای توسعه عدالت و حفاظت از کرامت انسان فراهم می‌کند بدون اینکه خداوند را مسئول بی‌عدالتی‌ها، فلاکت‌ها و بدبختی‌هایی بداند که انسان‌ها نسبت به یکدیگر روا می‌دارند. قرآن در سوره بقره آیه ۳۰ انسان را به عنوان نماینده خود بر روی زمین مسئول برقراری عدالت در دنیا می‌داند.

بیاد آر آنگاه که پروردگارت فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه

خواهم گماشت گفتند پروردگارا آیا کسانی را خواهی گماشت که در زمین فساد کنند و خون‌ها ریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم خداوند فرمود من چیزی از اسرار خلقت بشر می‌دانم که شما نمی‌دانید. (سوره بقره، آیه ۳۰)

نگاه حضرت علی (ع) به عدالت نیز بخوبی در کلام زیر تبیین شده است: نگاه حضرت علی (ع) به مقوله عدالت ریشه در جهان‌بینی الهی دارد، ایشان عدالت را موجب پایایی انسان (خلق)، نظام‌بخش حکومت، مترادف انصاف، فضیلت انسان، فضیلت فرمانروا، برترین ویژگی نیکو، غنی‌ترین ثروت، سامان‌دهنده شهروندان، زیبایی حاکمان، تداوم‌بخش قدرت، زیبایی سیاست، سامان‌بخش و نجات‌دهنده دولت، برترین سیاست، عامل همبستگی و مانند آن دانسته است. (درخشه، ۱۳۸۶: ۱۱)

روحانی نیز (مراسم پنجمین جشن جهانی نوروز در کابل، ۷ فروردین ۱۳۹۳) در مورد اعتدال و عدالت گفت: «امروز ندای اعتدال‌گرایی که دعوت به صلح و عدالت نیز هست مورد اقبال جهانی قرار گرفته است.»

۲. اعتدال در کانون انسانیت و انسانیت در کانون اعتدال:

بر اساس آیه ۱۴۳ سوره بقره، اعتدال روایت پذیرش انسان است آنچنانکه هست با تمام تکثرها، کثرت‌ها، تنوع‌ها و تفاوت‌ها، با تمام ارزش‌های راستی و درستی، عدالت و انصاف و در جستجوی گسترش خوبی‌ها و پیشگیری از بدی‌ها.

محمد بن جعفر العقبی نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ای فرمود: «ای مردم! حضرت آدم نه بنده‌ای داشت، نه کنیزی و همه مردم آزادند، لیکن خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را به بعضی دیگر سپرده است». (فیض، ج ۱۴، ص ۲۰) علامه جعفری (۱۳۷۹) در شرح این جمله می‌نویسد: «در این روایت علاوه بر اینکه نبود اصالت بردگی در اسلام اثبات شده است، کرامت عمومی انسان‌ها با استناد به آزادی و آزادگی آنها ثابت گشته است.»

از دید امام، حق حیات و کرامت انسان‌ها می‌بایست نزد حکومت‌ها و به وسیله آنها محفوظ بماند و این یکی از آرمان‌های اساسی دولت اسلامی است. روحانی در دیدار و ضیافت افطار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها (۲۹ تیر ۱۳۹۳) گفت:

مولی علی (ع) در وصیت‌نامه خویش می‌فرماید به همه فرزندان و اهل بیت و هر آنکس که تا روز قیامت این پیام به او می‌رسد می‌گویم خویشتن‌دار باشد و تقوی و خویشتن‌داری به این معنا است که انسان کاری را بدون تأمل و توجه به قانون انجام ندهد و تقوی مسئله‌ای است که کمک می‌کند تا انسان درست، دقیق، باندیشه و با توجه به نقاط ممنوعه حرکت کرده و خویشتن‌دار باشد.

۳. اعتدال در محوریت اقتصاد:

قرآن بر رعایت حد میانه و اعتدال در مدیریت مالی نیز توصیه می‌کند: نه هرگز دست خود در احسان به خلق محکم بسته دار و نه بسیار باز و گشاده دار که هر کدام کنی به نکوهش و حسرت خواهی نشست. (سوره بنی اسرائیل، آیه ۲۸)

و آنان هستند که هنگام انفاق به مسکینان اسراف نکرده و بخل هم نوزند بلکه در احسان میانه‌رو و معتدل باشند. (سوره فرقان، آیه ۶۷)

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هر کس در فقر و دارایی رعایت میانه‌روی بنماید، در برابر مشکلات روزگار آمادگی پیدا می‌کند. (خوانساری، ۱۳۴۶: ۸۰۷۰)

روحانی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری (۱۲ مرداد ۱۳۹۲) گفت: «جهت‌گیری دولت نجات اقتصاد و تعامل سازنده با جهان خواهد بود».

۴. اعتدال بهترین گزینه در برابر فساد:

همانگونه که از آیه ۱۴۳ سوره بقره برمی‌آید، اعتدال بهترین گزینه است که با حواشی خود جامعه را در برابر فساد و سقوط محافظت می‌کند.

امام علی (ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد فرموده‌اند: «همانا زمامدار، امین خدا در زمین، برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است.» (خوانساری، ۱۳۴۶: ۶۰۴)

روحانی در سخنرانی خود در نشست سیکا (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳) گفت: این مفهوم [اعتدال] و ضرورت صیانت از این دستاوردها، مرا بر آن داشت تا در شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طرح «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» را برای رسیدن به

جهانی که در آن سخن جای سلاح، و خرد جای زور، و امنیت و ثبات جای تخریب و فساد بنشیند پیشنهاد نمودم.

۵. اعتدال نهادینه‌ساز رفاه:

شخصیت و سازمان‌دهی اجتماعی مسلمانان با نهادینه‌سازی رفاه عمومی و برطرف کردن سختی انسان به نقطه اوج و قوت خود می‌رسد. آنچه‌آنکه در قرآن آمده است: خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته است. (سوره بقره، آیه ۱۸۵)

خداوند هیچگونه سختی برای شما قرار نخواهد داد ولیکن می‌خواهد که تا جسم و جان شما را پاکیزه گرداند و نعمت را بر شما تمام کند. (سوره مائده، آیه ۶) فراهم آوردن رفاه و آسایش و تحقق کفاف در زندگی برای تمامی اقشار اجتماع، از اهداف اساسی حکومت علوی بود که زمینه‌ساز تعالی و بالندگی معنوی می‌باشد. امام علی (ع) در حکمتی بلیغ در این باره می‌فرماید: «هر کس به مقدار نیاز اکتفا کند، آسایش و راحتی خود را فراهم آورد و گشایش و آرامش به دست آورد». (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱)

به علاوه، روحانی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری (۱۲ مرداد ۱۳۹۲) با برشمردن شاخص‌هایی که خود نشان از رفاه دارد، گفت:

اعتدال یعنی مسیری که ما از عقل و خرد جمعی استفاده می‌کنیم؛ عقل و خردی که به ما می‌گوید ما باید دنبال صلح در منطقه و جهان باشیم؛ عقل و خردی که به ما می‌گوید باید فقرها را بزدااییم، تبعیض‌های ناروا را کنار بگذاریم.

۶. اعتدال تصویرساز فرهنگ و ادب:

اعتدال بیانگر پالایش فرهنگی و رعایت ادب در رفتار با دیگران است. آنچه‌آنکه خداوند در سوره لقمان آیه ۱۹ به پیامبر توصیه می‌کند:

در رفتارت میانه‌روی اختیار کن (وقصد فی مشیک) و صدایت را پایین بیاور ...

این آیه از هر دو منظر ادبی و استعاری به معنای میانه‌روی و اعتدال در «رفتار» و «صدا» است و در نهایت بر رعایت اعتدال و توازن در ارتباط با دیگران دلالت دارد. امام علی (ع) همواره سفارش فرموده‌اند در برخورد با دیگران، باید حد اعتدال

رعایت شود که همان تواضع است و از حالت افراط و تفریط که تکبر و ذلت نفس است، باید اجتناب شود:

همیشه در قلب خود دو حس متضاد را با هم داشته باش، همیشه احساس کن که به مردم نیازمندی و همیشه احساس کن که از مردم بی‌نیازی؛ اما نیاز تو به مردم، در نرمی سخن و حسن سیرت و تواضع است، و استغنائی تو از مردم، در حفظ آبرو و بقای عزت است. (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۴۰۱)

روحانی یک سال پس از آغاز گفتمان اعتدال (همایش انتظار و امید، ۱۹ مرداد ۱۳۹۳) گفت: «اعتدال یعنی راهی که با همه انسان‌ها و مردم باادب و احترام سخن می‌گوییم و به پاسخی گوش می‌دهیم که آن هم توأم با ادب باشد».

۷. اعتدال میوه سه فضیلت:

در تفسیر آیه ۱۴۳ سوره بقره آمده است که برای انسان سه فضیلت در نظر گرفته شده است: عقل، پاکی و شجاعت. عقل با توانایی فکری و قدرت قضاوت، پاکی با انقیاد و کنترل هوای نفس و شجاعت با غلبه بر ترس و خودخواهی فضایل سه‌گانه میانه‌روی، اعتدال و دوری از افراط و تفریط هستند. همگرایی و هم‌افزایی این سه فضیلت تولد میوه عدالت در مفهوم تعادل و اعتدال بهینه را موجب می‌شود.

حضرت علی (ع) جهالت را عامل دیگری برای گرایش به افراط و تفریط و خروج از دایره اعتدال معرفی می‌کند و می‌فرماید: «جاهل جز افراط و تفریط دیده نمی‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰). به علاوه، یکی از شاخص‌های حکومت امام علی (ع) اهتمام و دقت در شایسته‌سالاری است. به طور کلی، از مجموع روایات و فرامینی که از ایشان به ما رسیده است، ملاک‌های عمده شایسته‌سالاری و انتخاب کارگزاران از منظر امام علی (ع) شامل حکمت و مدیریت، تدبیر و تدبر، شجاعت و قاطعیت، تقوی و امانت‌داری، سیاست، معرفت و می‌باشند. (شاه‌آبادی، ۱۳۹۲) روحانی در همایش انتظار و امید (۱۹ مرداد ۱۳۹۳) گفت:

اعتدال یعنی مسیری که از عقل و خرد استفاده کنیم ... خرد و عقل به ما می‌گوید باید به دنبال صلح در منطقه و جهان باشیم ... خرد و عقل به ما می‌گوید کشور از آن مردم است ... عقل و خرد به ما می‌گوید باید فقرها را بزداییم ... برای حرکت در مسیر خردورزی باید از عقل و خرد همگان استفاده کنیم.

۸. اعتدال کلید طلایی تساهل و مدارا:

تقویت روح بخشندگی الهی دمیده شده در روح و پیکر انسان و تساهل و مدارای قابل تحسین از دیگر مشخصات و ویژگی‌هایی است که قرآن در مسیر اعتدال بر آن تأکید دارد:

کسانی که خشم و غضب خود فرو نشانند و از بدی مردم درگذرند و خدا دوستدار نیکوکاران است. (سوره آل عمران، آیه ۱۳۴)
حضرت علی (ع) رفق و مدارا را سرآغاز سیاست می‌دانند و در نامه خطاب به مالک اشتر می‌نویسند:

و مباد که مردم را درنده‌ای خون‌آشام باشی که خوردن‌شان را غنیمت بشماری؛ زیرا مردم دو گروه‌اند: یا در دین برادر تواند، یا در آفرینش، هم‌نوعان تو. از راه می‌لغزند، به آفت‌ها دچار می‌شوند و دانسته یا ندانسته به کارهایی دست می‌یازند و تو باید از گذشت و چشم‌پوشی چندان بهره‌مندشان کنی که چشم‌پوشی و گذشت خدا را در مورد خود چشم‌داری. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

روحانی در نشست سیکا (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳) گفت: «تثبیت صلح و امنیت پایدار جز از راه توسعه فرهنگ اعتدال، مدارا و گفت‌وگو به دست نمی‌آید».

۹. اعتدال راهبرد برقراری ارتباط با سایر جوامع:

آیه ۱۴۳ سوره بقره همچنین بر شیوه رفتار جامعه مسلمانان با سایر جوامع و ملل تأکید دارد. اعتدال ترجمان شیوه‌ای است که در آن تمدن اسلامی با سایر تمدن‌های دنیا ارتباط سازنده، پویا و متقابل برقرار می‌کند. این ارتباط، تبادل افکاری است که نه غالب می‌شود و نه مغلوب، نه می‌برد و نه می‌بازد؛ اما هر دو طرف تعامل چیزی به دست می‌آورند. این به مثابه همان تعامل سازنده، همان اصل برابری و برادری در اسلام است که درخت دوستی را در جستجوی تعالی اخلاقی آبیاری می‌کند. فرمایش امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - به مالک اشتر در استقبال از صلح بیانگر نظر آن حضرت در برقراری ارتباط و تعامل با سایر ملل است: «و از صلحی که دشمن تو را بدان فراخواند و رضای خداوند در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند، و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند».

از مطالعه روایات و احادیث چنین به دست می‌آید که همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد رابطه مودت و دوستی با بیگانگان، امری است که مسلمانان می‌توانند در

روابط بین‌الملل از آن بهره گیرند؛ چه اینکه، اسلام آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر ضدیت ندارد و اسلام به این نکته توجه می‌دهد که با ایجاد یک جو آرام و مودت‌آمیز، می‌توان با مخالفان عقیدتی خود به گفتگو و جدال احسن پرداخت.

روحانی روز معلم در جمع اساتید و معلمان نمونه کشور (۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۳) گفت: «آنچه من می‌فهم این است که این کشور با تقابل نمی‌تواند در دنیا موفق باشد و راه این دولت راه تعامل سازنده با دنیاست».

۱۰. اعتدال سرایش قانون‌مداری:

یکی از اموری که حضرت علی (ع) به آن توجه جدی داشتند، قانون‌مدار بودن و اجرای قانون به معنای واقعی کلمه بود. اگر کسی برخلاف قانون عملی انجام می‌داد، بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می‌کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی‌پذیرفت. ایشان در خطبه ۱۳۱ اهداف بلند خویش را در به دست گرفتن حکومت گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (بخصوص احقاق حق افراد ستم‌دیده) و حاکمیت قانون، بیان می‌کند:

هدف ما ورود به نشانه‌های دین تو و اظهار اصلاح در شهرهای تو بوده است باشد که بندگان ستم‌دیده تو امن و امان یابند و آن کیفرها و احکام تو که از اجرا بازایستاده است به جریان بیفتد.... شما دانسته‌اید که نباید یک انسان بخیل بر نوامیس و نفوس و اموال و احکام و زمامداری مسلمین ولایت داشته باشد که حریص به اموال آنان باشد و نباید شئون حیاتی مسلمانان به ولایت جاهل واگذار شود، که آنان را با نادانی خود گمراه بسازد و نیز نباید والی مسلمانان جفاکار باشد که آنان را از روی جفا از حقوق خویش محروم نماید و نباید ولایت مسلمین به کسی سپرده شود که در ادای حقوق مالی بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح بدهد و نباید زمامداری مسلمین را در اختیار کسی گذاشت که در حکم رشوه بگیرد و حقوق مردم را ضایع کند و بوسیله آن در موقعیت اجرای احکام خداوندی توقف نماید. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱)

روحانی در اولین نشست خبری پس از انتخابات ریاست جمهوری (۱۵ مرداد

گفت: «اخلاق و قانون پایه‌های اساسی خط اعتدال خواهد بود».

گام چهارم - صورت‌بندی اعتدال

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل گفتمان حکومت ۵ ساله علی (ع) می‌توان صورت‌بندی گفتمان اعتدال را به صورت زیر و در دو بخش ایجابی و سلبی بیان کرد:

الف - بخش ایجابی: رحمت و محبت و لطف به مردم، عفو و اغماض، حسن ظن، رساترین در حق، فراگیرترین در عدل، جامع‌ترین برای جلب رضایت مردم، تأمین و اجرای امور اجتماعی، تأمین حق حیات، تأمین حق کرامت، تأمین حق آزادی، تأمین نیازمندی‌های مردم، رسیدگی به انجام وظیفه کارگزاران در مقابل انسان، قانون‌مداری، قبول خطا، مسئولیت‌پذیری، متکی بودن به مبانی دینی، پاسخگویی به جامعه، تأکید بر خرد جمعی، گردش نخبگان، تأکید بر منافع ملی، توسعه‌گرایی متوازن و تعامل سازنده.

ب - بخش سلبی: دوری از بدبینی و تندی، مهار زبان، خودداری از دوری از مردم، مقدم ندانستن خویشاوندان و وابستگان، منت نگذاشتن بر مردم، مشورت نکردن با افراد بخیل و ترسو و طمعکار، زیر پا نگذاشتن سنت‌ها، جلوگیری از ظلم و اغراض، خودداری از شتابزدگی، خودداری از لجاجت، خود را به دیگران مقدم ندانستن، پرهیز از خشونت و رادیکالیسم.

گام پنجم - دال مرکزی گفتمان اعتدال

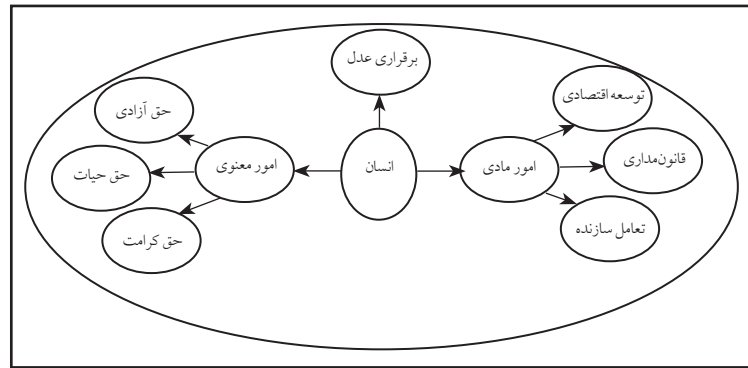
همانگونه که دیدیم گفتمان اعتدال که از سال ۱۳۹۲ سخن گفتن با مردم را آغاز کرد و به هژمونی دست یافت، بر اساس حکومت اعتدال حضرت علی دال‌های گوناگونی را مطرح کرد. بررسی این دال‌ها نشان می‌دهد که دال مرکزی گفتمان اعتدال «انسان» است. انسان، در کل، داخل و خارج از مرزهای جغرافیایی. از همین رو است که حسن روحانی در اولین قدم در شصت و هشتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» را ارائه می‌دهد. این طرح نشان‌دهنده آن است که گفتمان اعتدال در ایران دال مرکزی خود را «انسان» در داخل و خارج از مرزهای جغرافیایی قرار داده است. این گفتمان بر محورهایی مانند برقراری عدل و قسط، قانون‌مداری، تحمل و مدارا و رضایت‌مندی انسان تأکید دارد.

در حکومت حضرت علی هم دال مرکزی انسان است. انسان‌ها، هم حق تشکیل حکومت و حق نظارت و بازخواست از آنها را دارند و هم دارای حق ابراز نظر و عقیده هستند. حضرت از این طریق خواسته‌اند موضوع تنوع‌های قومیتی، دینی، نژادی، جنسیتی، زبانی، ... را با دال مرکزی انسان در پرتو حکومت اسلامی برپا شده از سوی امامت و ولایت با قطعیت مرتفع سازند.

گام ششم - مفصل‌بندی گفتمان اعتدال با جزئیات الهی الگوی علوی

روحانی اعتدال را محملی برای بهتر زیستن انسان بخصوص ایرانیان می‌داند. انسان دارای دو بُعد مادی و معنوی است که توجه به هر بُعد از ابعاد انسانی اقتضائات خود را می‌طلبد. تئوری غالب حسن روحانی برای برآوردن این دال مرکزی آرمان‌خواهی واقع‌بینانه است. به اعتقاد او اعتدال و عدل نسبتی وثیق دارند. نقطه مرکزی بین آرمان‌خواهی و واقع‌بینی، بین مصالح اسلامی و منافع ملی، بین اهداف و ابزار، بین حق و تکلیف و بین عزت، حکمت و مصلحت «انسان» است.

نمودار شماره ۲ - مفصل‌بندی خرده گفتمان اعتدال



پادگفتمان این گفتمان مانند گفتمان اسلام‌گرایی در داخل مرزها نیست. به همین دلیل است که این گفتمان نه با گفتمان اصول‌گرا و نه با گفتمان اصلاح‌طلب در تضاد و تقابل قرار نمی‌گیرد. دال مرکزی این گفتمان این نکته را بخوبی ثابت می‌کند.

نتیجه‌گیری

به عقیده برخی فضای استعاری گفتمان انقلاب اسلامی در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب مشتمل بر دو مفصل‌بندی حول دال‌های «جمهوریت» و «اسلامیت» بود که گروه‌های سنت‌گرا و تجددگرا و سکولار آن را هدایت می‌کردند. گفتمان اسلام‌گرایی غیریت‌سازی را به خارج از مرزهای کشور منتقل کرد که این خود زمینه‌ساز اتحاد بین نیروهای انقلابی مسلمان بود. اما در ادامه ذیل گفتمان اسلام‌گرایی و بر اساس پذیرش دال‌های شناور حول دال مرکزی آنها دو خرده گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی شکل گرفت. هر دو گفتمان کوشیدند با برجسته کردن خود و به حاشیه راندن رقیب از طریق تثبیت دال‌های شناور مرکزی و دیگر دال‌ها نه تنها به ساختارشکنی دال مرکزی و در نهایت ساختارشکنی گفتمان رقیب پردازند، بلکه غیریت‌سازی را از خارج به داخل مرزهای کشور سوق دهند. نیروهای انقلابی که تا دیروز متحد بودند و حکومت را چیزی بیش از مسئولیت نمی‌دانستند اکنون بر سر کسب قدرت و به حاشیه راندن یکدیگر از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند.

مقام معظم رهبری به فعالان سیاسی یادآور شدند که: «نقطه مقابل اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی نیست، بلکه لابی‌گری و نداشتن اصول است و نقطه مقابل اصلاح‌طلبی هم اصول‌گرایی نیست، بلکه افساد است» تا به این ترتیب اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی دو سر یک محور نباشند و هر یک ضدیت یا غیریت خود را در دیگری جستجو نکنند. این خواسته در گفتمان اعتدال به وقوع پیوست. گفتمان اعتدال غیریت خود را نه در اصول‌گرایی و نه در اصلاح‌طلبی که در خارج از مرزهای کشور در نظر گرفت.

در واقع می‌توان چنین تفسیر کرد که گفتمان اعتدال همان ابرگفتمان اسلام‌گرایی است که تلاش دارد تا گفتمانی را بر مبنای اصول نهادینه اسلامی برسازد؛ گفتمانی که به دنبال تأمین خواسته‌های «انسان اسلام‌گرا» است. از این رو، اعتدال، در واقع، دربرگیرنده اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی است و تلاش می‌کند از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل هر دو خرده گفتمان استفاده کند اما گفتمان تغییر شکل یافته هیچیک از آنها نیست. مستقل است و در طول قرن‌ها استقلال خود را حفظ کرده است.

اما در انتها سخنی از جنس زمان. علی عینیت عدالت بود، علی تجلی انسانیت بود، علی سرایش دانش الهی بود، علی سرچشمه بینش بود، علی ترنم پاک دنیا و آخرت بود، علی غزلسرای قانون عشق بود، علی قهرمان دوگانگی‌های تاریخ بود،

علی ترجمان مدارا بود، علی نقاش جلوه خدا بود، ... راهش اعتدال و کلامش هدایت بود.

اما ما انسانیم، روحانی انسان است با تمام خصوصیات انسانی. انتظار نداریم و انتظار نداشته باشید اعتدال در این دنیای پسامدرن، ترجمان راستین الگوی حکومت مولا علی (ع) باشد، اما انتظار داریم در مسیر آن حرکت کنیم، انتظار داریم در پرتو برنامه‌های انسان‌ساز نور الهی به چشمان و قلب‌هایمان بتابد و به لطف و مرحمت الهی بتوانیم همه با هم، با وحدت در عین کثرت و هم‌صدایی در عین چندصدایی، با اعتقاد، ایمان و بینش به تفکر و تعمق پرداخته، از زدایش حرمت و کرامت انسان جلوگیری کنیم و خارج از مدار قدرت پی‌رنگ اعتدال را در سپهر زمانه به تصویر کشیم و «ما» بودن را تجربه‌ای تاریخی بخشیم.

فهرست منابع

الف) فارسی

- _____ (۱۳۸۰). **مبانی ساختگرایی در زبان‌شناسی**، در: فرزانه سجودی، ساختگرایی، پس‌ساختگرایی و مطالعات ادبی، تهران: سوره مهر.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۹). **نقد و ارزیابی گفتمان‌های اجتماعی - سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- الهی قمشه‌ای، محی‌الدین مهدی. **ترجمه قرآن مجید**. تهران: احیا کتاب.
- انصاری قمی، ناصرالدین. **غرر الحکم و درر الکلم**.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). **گفتمان و تحلیل گفتمانی**. تهران: فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). **گفتمان، یادگفتمان و سیاست**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۹۲). **اعتدال دولت روحانی؛ به مثابه ایدئولوژی یا استراتژی؟ ماهنامه ذکر**، ش ۸۴.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۶). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**. تهران: دفتر نشر فرهنگ.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹). **حکمت اصول سیاسی اسلام**. روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۹۰۳.
- حرّ عاملی، شیخ محمدحسن. (م ۱۱۰۴ ق). **وسایل الشیعه**، ج ۸، ص ۴۰۱.
- حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۳). **نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی**. فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸، صص. ۲۱۳-۱۸۳.
- حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۶). **گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۳۴۶). **شرح غررالحکم و دررالکل**. جلد ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- درخشه، جلال. (۱۳۸۶). **عدالت از دیدگاه امام علی(ع)**. نشریه دانش سیاسی، بهار و تابستان، ش ۵، ص ۱۱.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۷). **دولت آفتاب اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی(ع)**. تهران: خانه اندیشه جوان.
- دهخدا، علی اکبر. **لغت‌نامه دهخدا**. تهران: مؤسسه دهخدا.
- روحانی، حسن: پیام، در «همایش ملی تبیین مفهوم اعتدال»، (۶-۵ شهریور ۱۳۹۲)، مرکز همایش‌های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، خبرنامه **انجمن علوم سیاسی ایران**: ۹.
- سلطانی، علی اصغر، (۱۳۸۳). **تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش**، فصلنامه علوم

- سیاسی، ش ۲۸، صص. ۱۵۳-۱۸۱.
- سلیمی نوه، اصغر، (۱۳۸۳). گفتمان در اندیشه فوکو. کیهان فرهنگی، ش ۲۱۹، صص. ۵۵-۵۰.
- سوسور، فردینان. زبان‌شناسی عمومی. ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس. ۱۳۸۹.
- سوسور، فردینان. مبانی ساختگرایی در زبان‌شناسی. در: فرزانه سجودی، ساختگرایی، پساساختگرایی و مطالعات ادبی. تهران: سوره مهر. ۱۳۸۰.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). جامه بزرگی آمنه، نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، تابستان، سال اول، ش ۲.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۴). خورشید بی‌غروب نهج البلاغه. ترجمه عبدالمجید معادیخواه، تهران: نشر ذره.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۸۶). ترجمه نهج البلاغه. تهران: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت.
- صدر، محمدباقر، المدرسة الاسلامیه، ص ۱۰۸-۱۰۹.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد. (۱۳۷۹). جادوی گفتار: ذهنیت فرهنگی و نظام معنایی در انتخابات دوم خرداد. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- فرکلاف، نورمن. تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۹.
- فوکو، میشل. (۱۹۷۲). قدرت، گفتمان و زبان. ترجمه علی اصغر سلطانی، تهران: نشر نی. چ ۲، ۱۳۸۷.
- فیض، ملامحسن. الوافی، ج ۱۴، ص ۲۰.
- فیلیپس و یورگنسن. نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی. ۱۳۸۹.
- کسرابی، محمدسالار، پوزش شیرازی، علی، (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلاو و موف ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱۱، صص. ۳۶۰-۳۳۹.
- کوهن، توماس. (۱۹۷۶). ساختار انقلاب‌های علمی. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات سروش. ۱۳۶۷.
- مارش، دیوید، استوکر، جری. روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- مک دانل، دایان. مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسینعلی نودری. تهران: فرهنگ گفتمان. ۱۳۸۰.

نش، کیت. **جامعه‌شناسی سیاسی**. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر، ۱۳۹۰.
همایش ملی تبیین مفهوم اعتدال. (۱۳۹۲).
هوارث، دیوید، نظریه گفتمان. ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی. **فصلنامه علوم سیاسی**، س
۱۳۷۷، ش ۲، صص. ۱۸۳-۱۵۶.
ب) انگلیسی

Al Yahya, Eid. (2011). **Moderation in the Kingdom of Saudi Arabia: An Analysis of 'Pragmatist' and 'Puritanical' Discourses**. URL: <http://hdl.handle.net/1003b/3579>.

Altwaijri, Abdulaziz Othman. **Islamic Discourse Between Tradition & Modernity**. URL: http://www.futureislam.com/20050501/insight/abdulaziz_othman_altwaijri/Islamic_Discourse_between_Tradition_and_Modernity.asp.

Barrett. M. (1991). **Ideology, Politics, Hegemony: From Gramsci to Laclau and Mouffe**. In Mapping Ideology. Cambridge: Polity Press.

Carrese, Paul O. (2013). **America's Moderate Liberalism: Rediscovering Montesquieu, Recovering Balance**. URL: <http://www.thepublicdiscourse.com/2013/11/11009/>.

Demiralp, Seda. The Moderation in Political Islam in Turkey: The Case of Justice and Development Party, **The Public Purpose**, Vol. II, pp. 13-29.

Fairclough, Norman. (1995). **Critical Discourse Analysis**. London: Longman.

Foucault, M. (2002). **The Archaeology of Knowledge**, Translated by A. M. Sheridan Smith. London: Routledge.

Fowler, R. (1991). **Language in the News: Discourse and Ideology in the Press**. London: Routledge.

Fowler, R., Hodge, B., Kress, G. & Trew, T. (1979). **Language and Control**. London: Routledge and Kegan Paul.

Halliday, M. A. K. 1971. **Linguistic function and literary style: An inquiry into the language of William Golding's The Inheritors**. Literary style: A symposium, ed. by S. Chatman. London and New York: Oxford University Press.

Harris, Zellig. (1952). **Discourse Analysis**. In **Language**, No. 28, pp. 1-30.

Howarth, D., Howarth, D. R. (2000). **Discourse**. Open University Press.

- Howarth, D., Norval, A., & Stavrakakis, Y. (2000). **Discourse Theory and Political Analysis: Identities, Hegemonies and Social Change**. USA: Manchester University Press.
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (2002). **Discourse Analysis as Theory and Method**. London: Sage Publications.
- Kamali, Mohammad Hashim. (2008). The Middle Grounds of Islamic Civilization: The Qur'ānic Principle of Wasatiyyah. **IAIA Journal of Civilization Studies**. Vol. 1, No. 1, pp. 7-43.
- Khaled Abou El Fadl. (2003). **Islam and the Challenge of Democracy**, Boston Review Website, <http://www.bostonreview.net/BR28.2/contents.html>. 2003, April/May, Boston Review.
- Laclau, E. (1990). **New Reflections on the Revolution of Our Time**. London: Routledge.
- Laclau, E. (1993). **Discourse**. In Robert Goodin, A. and Pottit, P., eds., *A Companion to Contemporary Political Philosophy*. Oxford: Blackwell.
- Laclau, E. (1994). **The Making of Political Identities**. United Kingdom: Verso.
- Laclau, E. and Mouffe, Ch. (1985). **Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics**. United Kingdom: Verso.
- Mura, A. (2012). A Genealogical inquiry into Early Islamism. The Discourse of Hasan al-Banna; **Journal of Political Ideologies**, 17 (1), pp. 61-85.
- Mura, A. (2014). Islamism Revisited: A Lacanian Discourse Critique. **European Journal of Psychoanalysis**, No. 1, pp. 107-126.
- Ruthven, M. (2004). **Fundamentalism: the Search for Meaning**. Oxford: Oxford University Press.
- Sayyid, B. & Zac, L. (1998). **Political Analysis in a World Without Foundations**. In Elinor Scarborough and Tanenbaum (Eds), *Research Strategies in the Social Sciences*. Oxford: Oxford University press. Quoted in P. De Vos (2003), *Discourse Theory and the Study of Ideological (Trans)formations: Analyzing Social Democratic Revisionism*. In *Journal of Pragmatics*, 13 (1): p. 163-180.
- Teti, A. & Mura, A. (2009). **Islam and Islamism in Haynes**, J. (ed.), *Routledge Handbook of Religion and Politics*. London: Routledge.

